

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سلسله تذکرات استاد طیب ناظر بر ناآرامی های کشور (۲)

اعتراضات ناشی از انباشت بغض‌ها، گلایه‌ها و ابهامات

گاهی اعتراض‌ها و به دنبال آن، پرخاشگری‌ها و در پی آن، رفتارهای خشونت‌آمیز، ناشی از جمع شدن گلایه‌ها، نقدها، ابهامات و سؤالاتی است که فرصت و مجال گفته شدن نیافته و بدون پاسخ مانده است. سخنرانی کردن، که شخص مسؤل پشت میکروفن بنشیند و برای عده‌ای حرف بزند، پاسخگو بودن نیست. ببینید امیرالمؤمنین علیه‌السلام به فرماندارانشان چه می‌فرمایند! می‌فرمایند: در را باز کن، (از پشت پرده تلویزیون با مردم سخن نگو) مردم را رویاروی بپذیر، هیچ حاجبی بین تو و مردم، جز پوست صورتت نباشد! (جلسه تصنعی بیان نظرات هم درست نکن) فردی که نقد و اعتراض دارد، حتی اگر بددهنی و توهین کرد، آداب سخن گفتن با یک مقام حکومتی را مراعات نکرد و بی‌ادبی کرد، تو تحمل کن و برنیاشوب! با محبت پذیرای او باش، بگذار حرفش را بزند، دهانش را نبند، اجازه طرح ایرادات و اعتراضات را به او بده. اگر اینجا اجازه ندهی، جای دیگری سر باز می‌کند. اینجا اجازه بده حرفش را بزند، و با صداقت حرفش را بشنو. قبل از جلسه کنترل نکن که چه سؤالاتی پرسیده شود و چه چیزهایی گفته نشود. بگذار مردم راحت حرفشان را بزنند، نقدشان را بیان کنند، سؤال و اعتراضشان را مطرح کنند. تو هم صادقانه پاسخ بگو. اگر نقدشان وارد است، خودت را تصحیح کن و اگر وارد نیست، آنها را آگاه کن.

اگر ما به این شیوه عمل می‌کردیم، کار به اینجا نمی‌رسید که عده‌ای از مردم، منفعلانه به صحنه‌هایی کشیده شوند که دشمن کینه‌توز اسلام، ایمان و ایران طراحي کرده است.

مسئولان با صبوری پاسخگوی مردم باشند

به یاد دارم سال‌های اوّل انقلاب، مسؤولان چند جلسه مصاحبه مطبوعاتی گذاشتند. نمایندگان جریان‌های فکری مختلف به‌عنوان خبرنگار روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها، در آن جلسات حاضر می‌شدند. گرچه خبر ندارم که آنجا هم سؤالات از قبل کنترل می‌شد یا نه، ولی حرفشان را می‌زدند. چرا این سنت در جامعه امروز ما تعطیل شده است؟ چرا رئیس‌جمهور باید بیاید پشت تلویزیون، مجری تلویزیون چهار تا سؤال از پیش مشخص شده را مطرح کند و ایشان توضیح بدهد؟ مصاحبه مطبوعاتی برگزار کنید. بگذارید همه جریان‌های فکری و سیاسی، اعم از راست، چپ، رادیکال، میانه، تندرو و کندرو بیایند رو در روی شما حرفشان را صریح بزنند و شما توضیح بدهید. در این صورت، عقده‌ها اینگونه روی هم جمع نمی‌شود تا فرد معترض، مدیریت افکار و رفتار خود را از دست بدهد و به صحنه‌هایی کشیده شود که دشمن برایش طراحی کرده است. در مورد همه رده‌های نظام هم همین شیوه را توصیه می‌کنم؛ یعنی از بالاترین رده نظام تا پایین‌ترین مسؤول، همه باید از این روبه‌رو شدن با مردم استقبال کنند؛ تصنّعی و نمایشی نه؛ واقعی. با صبوری، با چهره گشاده، با لبخند محبت‌آمیز بنشینند و به حرف‌های مردم گوش کنند. همانطور که عرض کردم، حتی آداب‌دانی‌ها و بی‌ادبی‌ها را هم پذیرا باشند. آن‌گاه به شیوه‌ای شایسته پاسخ دهند. عرض کردم؛ از دو حال خارج نیست. یک حالت این است که او درست می‌گوید و من باید خود را تصحیح کنم. مگر ما در آموزه‌های دینیمان نداریم که **أَحَبُّ إِخْوَانِي إِلَيَّ مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ غُيُوبِي**: محبوب‌ترین برادران من در نزد من، کسی است که عیب‌های مرا به من هدیه دهد؟ پس فردی که ولو با فحش، تندی، بداخلاقی، عصبانیت و داد و فریاد، دارد یکی از عیوب مرا به من گوشزد می‌کند، بهترین هدیه را به من می‌دهد و من باید او را خیلی دوست بدارم و از او استقبال کنم. اگر هم اینگونه نیست و برآشفگی او ناشی از بی‌اطلاعی او از پاره‌ای از واقعیات است، رو در رو برایش توضیح بدهم تا این آشفتگی او به سامان و آرامش مبدّل شود. این کارهایی است که می‌توان کرد. هنوز هم دیر نشده. ماهی را هروقت از آب بگیرند، تازه است.

غیرت ملی و مذهبی مردم، دشمن را سرچایش می‌نشانند

الحمدلله مردم در عمق وجودشان، راضی به تجزیة کشور، و سوریه شدن ایران و امثال اینها نیستند. غیرت ملی و غیرت دینی این مردم، چنین اجازه‌ای به دشمن نخواهد داد. توی دهن آنها می‌زنند، آنها را سر جای خودشان می‌نشانند. ان‌شاءالله طوری عمل شود که گروه فریب‌خورده را هم متنبه و اصلاح کنند و از دشمن جدا سازند. میکروب و ویروس را باید کشت؛ اما عضو بیمار و مبتلا را باید درمان کرد. این دو یکی نیستند.

امیدواریم با عنایات حضرت بقیةالله ارواحنا فدا، این ناآرامی‌ها به آرامش و این فضای پرخاش جویی، عصبانیت، خشونت، جنایت و ترور و ناامنی، به فضای آرامش و امنیت مبدل شود.

لزوم تغییر شیوه مدیریتی و تعامل با مردم

مسئولان باید از این اتفاقاتی که افتاد، با این هزینه‌های سنگینی که کشور و نظام متحمل شد، و نمی‌دانیم تا کی و کجا ادامه پیدا کند، درس بگیرند و خود را تصحیح کنند. بعد از آرام شدن اوضاع، به روش غلطی که زمینه پدید آمدن این شرایط بحران و آشوب را فراهم کرد، بازنگردند. نگویند دیدید اینها را خفه کردیم؟! و دوباره برگردند به همان روشی که منجر به این شرایط و صحنه‌های دردناک و تلخ شد! نه؛ باید درس بگیریم، خودمان را تصحیح کنیم، شیوه مدیریت کشور و تعامل با مردم را تغییر دهیم، تصویر و تصویرمان را از اداره یک نظام ولایی اصلاح کنیم، دگم نباشیم، انعطاف‌پذیر باشیم. چرا بگذاریم اینگونه صحنه‌ها بعضی حقایق را برای ما روشن کند!؟

اگر از ناصحان، با آغوش باز استقبال می‌کردیم و فقط به مداحان چاپلوسی که جز به منافع خود نمی‌اندیشند، میدان نمی‌دادیم، بسیاری از این حقایق، قبل از این صحنه‌ها هم قابل بیان شدن و پی بردن بود؛ نه از زبان تلویزیون‌های خارجی و دشمن ضد ولایت، دین، معنویت، اسلام و تمامیت ایران؛ بلکه از زبان خیرخواهان. اگر قبلاً به نقّادان ناصح میدان داده بودیم، طردشان نکرده بودیم، به سکوتشان نکشاده بودیم، از اثربخشی مایوسشان نکرده بودیم، آنها ایرادها را به ما می‌گفتند و

می‌توانستیم خودمان را زودتر تصحیح کنیم و برای درک ایرادات و انجام اصلاحات، نیازمند تحمّل چنین هزینه‌های سنگینی نباشیم.

امیدواریم که هم خدای متعال عنایت کند و دست مقدّس حضرت بقیّه‌الله علیه‌السلام وارد صحنه شود و آرامش را بر این کشور حاکم کند و هم مدیران کشور، از بالاترین مقام تا پایین‌ترین مسؤول، به تصحیح و اصلاح خود سوق پیدا کنند. تصوّر نکنیم که ما بهترین هستیم و بهتر از این که هستیم، شدنی نیست. بدانیم که بالاتر از هر خوبی، خوبی‌تری قابل تصوّر است. اگر درست عمل کرده‌ایم، درست‌تر عمل کنیم؛ اگر اشتباه عمل کرده‌ایم، کم‌اشتباه‌تر عمل کنیم. این کار شدنی است. تعصّب نوزیم، دگم نباشیم، منعطف باشیم. این شیوه‌ای است که دین به ما آموخته است.

مراحل سیر و سلوک در مدیریت اجتماعی هم مصداق دارد

راه اسلام و دیانت، راه حق‌پذیری و انعطاف است؛ راه تزکیه و تهذیب خویشتن است. اگر ما در سیر و سلوک، صحبت از تزکیه و تهذیب نفس می‌کنیم، در مدیریت اجتماعی هم باید همین تزکیه وجود داشته باشد. چه کسی تزکیه می‌کند؟ کسی که احتمال می‌دهد که عیبی در او باشد. تلاش می‌کند آن عیب را بشناسد و سپس آن را برطرف سازد؛ احتمال می‌دهد که حُسنی را ندارد، تلاش می‌کند آن را بشناسد و آن را در وجود خود مستقر نماید. این راه تزکیه است. مدیریت جامعه هم نیازمند به تزکیه است. همه آن مراحل که در سیر و سلوک برایتان گفته‌ام و در شراب طهور نوشته‌ام، در مدیریت اجتماعی هم مصداق دارد؛ یعنی حالت یقظه، بیداری از خواب غفلت، حالت توبه و تغییر مسیر و روبه، حالت طلب و حالت‌های دیگری که در سیر و سلوک خدمتتان عرض کرده‌ام، عیناً در مدیریت اجتماعی و سیاسی یک کشور هم مصداق دارد. امیدواریم اهل این وادی باشیم.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ